

# مؤسسات حکومت صفوی

اثر ویلم فلور

علی بحرانی

مغزی بر آن، تاریخ اداری ایران را وارد عرصه تحقیقات تاریخی نمود، ولادیمیر مینورسکی (۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۳ م) بود. پس از وی پژوهشگران خارجی و داخلی بسیاری چون لمبتون، راجر سیوری، چارلز عیسوی، عباس اقبال، جهانگیر قائم مقامی و... به این موضوع عنایت میزول نموده‌اند. اما یکی از جدیدترین کتاب‌هایی که در حوزه مورد بحث منتشر گردیده است، کتابی تحت عنوان (Safavid Government Institutions) اثر ویلم فلور (Willem Floor) ایرانشناس هلندی است. خوانندگان تاریخ ایران عهد صفوی با آثار این مؤلف آشنایی دارند. برخی از آثار به زبان انگلیسی وی عبارتند از:

۱. The Fiscal History of Safavid and Qajarid Persia (New York, ۱۹۹۹).

۲. The Persian Textile Industry ۱۵۰۰-۱۹۲۵, (Paris, ۱۹۹۹).

۳. The Afghan Occupation of Safavid Persia, (New York, ۱۹۹۹)

از این گذشته مقالات بسیاری از ویلم فلور در نشریاتی چون Studia Iranica و ZDMG به چاپ رسیده است. بنابر آنچه ذکر شد، کتاب‌هایی که خواننده فارسی زبان تاریخ ایران از ویلم فلور می‌شناسد، کمابیش وقایع نگاری‌هایی است مربوط به دوران سقوط صفویه تا عصر قاجار، که اسناد هلندی در آن از جایگاه خاصی برخوردار است. در حالی که کتاب مورد نظر در این مقاله همانند دیگر کتب ترجمه شده ویلم فلور به تشکیلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران مربوط است و شاید بتوان گفت که این دسته از کتاب‌های وی، گامی برای ورود مؤلف به لایه‌های عمیق‌تر و نظری‌تر تاریخ ایران می‌باشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب مورد بحث این است که مؤلف در سیر تحول تشکیلات اداری ایران به «زمان میان

سنت نگارش کتب و رسالاتی در باب تشکیلات اداری و دولتی در بسیاری از تمدن‌های پر سابقه بشری همواره تداوم داشته است. چنانکه در تمدن چین این گونه آثار را در میان کتاب‌های قطور تاریخی می‌گنجانیدند، از آن میان می‌توان به دو فصل از کتاب چنگ شیه (Cheng shih) اشاره نمود، که مطالب آن دربر دارنده توضیحاتی در مورد مناصب دولتی و درباری و نام متصدیان آنها در روزگار حاکمیت سلسله مینگ، معاصر با تیموریان، ترکمانان و صفویان در ایران می‌باشد.<sup>۱</sup>

نمونه‌های ملموس‌تر برای چنین رسالاتی «صبح الاعشی» اثر قلقشندی (متوفی ۸۲۰ ه.ق) و «تعریف بالمصطلح الشریف» اثر عماری (تألیف ۷۴۰ ه.ق) می‌باشند که مطالبی را در این زمینه درباره تمدن مصر در قرون هشتم و نهم هجری در بردارند. و همچنین است سلسله کتاب‌هایی بنام «قانون نامه» درباره تشکیلات اداری عثمانی و «آیین اکبری» اثر ابوالفضل علامی (مورخ شهیر دربار گورکانیان هند) در کتاب حجیم تاریخی وی. اما منابع تاریخی ایران در زمینه تشکیلات اداری، نسبت به دیگر ملل متمدن آسیا و خاورمیانه شمار کمتری را در بر می‌گیرند و آن هم به رساله‌ای کوتاه درباره مالیات از خواجه نصیرالدین طوسی، اشارات جامع التواریخ نوشته خواجه رشید الدین فضل الله همدانی به اصلاحات غازی و نیز تصویری جزئی از تقسیمات جغرافیایی و مالیاتی ایران در «نزه القلوب» حمدالله مستوفی (تألیف ۷۴۰ ه.ق) محدود می‌باشد.<sup>۲</sup>

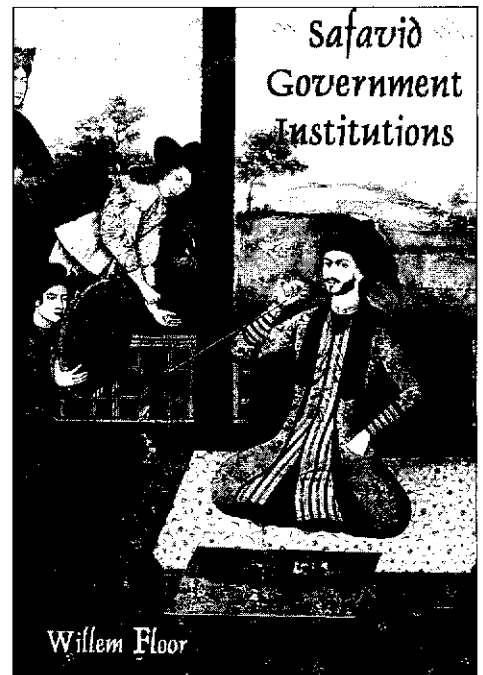
با توجه به آنچه گفته شد اهمیت و تازگی رسالاتی چون «تذکره الملوک» نوشته میرزا سمیعا و «دستور الملوک» تألیف «میرزا رفیعا» که هر دو مربوط به دوران شاه سلطان حسین صفوی است، آشکار می‌گردد.

می‌توان گفت که نخستین دانشمندی که در غرب تذکره الملوک را شناخت و ضمن نگارش شرح دقیق و پر

○ مؤسسات حکومت صفوی  
○ تألیف: ویلم فلور  
○ ناشر: مزدا، کوستا مستا، کالیفرنیا، ۲۰۰۱ م

○ Safavid Government  
Institutions  
○ Author: Willem floor  
○ Publisher:  
MAZDA publisher,  
costamesta, california, zool.

کتاب‌های ویلم فلور، کمابیش وقایع‌نگاری‌هایی است  
مربوط به دوران سقوط صفویه تا عصر قاجار،  
که اسناد هلندی در آن از جایگاه خاصی  
برخوردار است.



یکی از ویژگی‌های مهم کتاب «مؤسسات حکومت صفوی»  
اثر ویلم فلور این است که مولف در سیر  
تحول تشکیلات اداری ایران  
به «زمان میان مدت» و عمدتاً  
به «زمان کوتاه مدت»  
نظر دارد

مدت» و نیز به «زمان کوتاه مدت» نظر دارد. بویژه هنگامی که  
دلایل سیاسی موجبات تغییرات سریع و بنیادین را در ساختار  
اداری ایران فراهم آورده است. از این حیث گویی به نظریه  
فرنان برودل (مورخ فرانسوی و عضو مکتب آنال) درباره تقسیم  
بندی انواع زمان‌های تاریخ معتقد است.<sup>۱</sup> زیرا خود در مقدمه  
کتاب می‌نویسد هدف وی آشکار نمودن تغییرات در عوامل و  
سازمان‌های اداری صفوی است. وی در این راه مطالعات  
مقایسه‌ای و تطبیقی (comparative Studies) را  
ابزاری مناسب یافته و آن را موجب گسترش دامنه تحلیل‌ها  
و نیز کاستن محدوده زمانی پژوهش می‌داند. اما باز هم این  
کار را مستلزم وجود منابع متنوع و موقت، روشی منطقی و  
اساس فکری استوار می‌بیند. با این وجود وی تلاشی را در  
این راه محقق ساخته است که یکی از مظاهر آن آوردن  
اصطلاحات فنی - اداری فارسی در متن انگلیسی است که  
او این کار را موجب دقت و روشنی بیشتر در متون پژوهشی  
می‌داند. یک دلیل دیگر این کار (بکارگیری اصطلاحات  
فارسی) این است که کتاب مورد بحث در آغاز به عنوان  
شرحی بر ترجمه انگلیسی «دستور الملوک» طراحی شد. اما  
پس از ترجمه دستور الملوک به زبان انگلیسی توسط ویلم  
فلور و محمد فغفوری و نیز پس از تهیه تعلیقاتی حجیم بر  
این منبع تاریخی، آشکار شد که حاشیه‌های مزبور به چند  
برابر متن اصلی دستورالملوک رسیده است. از این رو ویلم  
فلور تصمیم گرفت؛ این حاشیه‌ها را به طور جداگانه و در دو  
جلد منتشر سازد. کتاب حاضر در واقع جلد نخست این  
تعلیقات است که به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.<sup>۲</sup>  
کتاب حاضر از تشکیلات دربار و بخش‌هایی چون  
قضاوت صرف نظر نموده تا آن را در جلد دیگری ارائه نماید.  
در عوض وی، علاوه بر تعلیقات مینورسکی بر دستورالملوک،  
منابع و اسناد فارسی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی و نیز  
تحقیقات تحلیلی جدیدی چون آثار کلاوس روهر برن  
(Klaus Rohrborn) محقق آلمانی و ژان اوبین

فرانسوی (Jean Aubin) که هنوز به زبان‌های آلمانی و  
فرانسوی بوده است و ترجمه نشده‌اند، را در کتاب خود  
گنجانیده است؛ و با استفاده از اطلاعات و تحلیل‌های آنها و  
نیز آثار راجر سوری (Roger Savory)، و تحلیل‌های  
تکمیلی مؤلف کتابی نسبتاً جامع پدید آورده است. مراجعه  
وسیع به منابع و اسناد فارسی، از جمله کتاب‌های تاریخ  
عمومی و سلسله‌ای صفوی مانند کتاب اسکندر بیگ منشی  
و زبان‌های گوناگون اروپایی و غیره<sup>۳</sup> این جامعیت را پدید  
آورده است. وی در بررسی «دستور الملوک» میرزا رفیعا از  
مقالات استاد محمد تقی دانش پژوه در مجله دانشکده  
ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بهره برده است.<sup>۴</sup>  
کتاب مؤسسات حکومت صفوی در برگیرنده یک  
پیشگفتار، سه فصل و یک نتیجه است. فصل نخست، با  
عنوان تشکیلات حکومت مرکزی (صص ۲۹-۴) پس از  
بدست دادن حدود جغرافیایی دولت صفوی، به مهمترین  
مناصب این حکومت اشاره نموده و از مناصبی چون وکیل،  
امیرالأمرا یا سپهسالار، وزیر اعظم، شورای مشورتی، دیوان  
الاعلی، دفترخانه، دارالانشاء، منشی الممالک، مجلس نویسی  
و اعضای دارالانشاء نام برده است. سپس طی یک  
تقسیم‌بندی، سه دوره را که در هر یک روش دیوانسالارانه  
اداری خاصی حاکم بود، در حکومت صفویان قابل ارزیابی  
می‌بیند. او اساس این تقسیم بندی و تغییر روش در  
دیوانسالاری صفوی را بر نوسانات قدرت و سیاست، به ویژه  
سیاست تبدیل املاک ممالک به خاصه قرار داده است. در  
هر حال وی اولین دوره دیوانسالاری صفوی را عصر شاه  
اسماعیل صفوی گرفته است. در این دوره دیوانیان و وزیران  
یا خود از درباریان آق‌قویونلوها بودند و یا از الگوهای دیوانی  
آنان پیروی می‌نمودند. در اسناد دیوانی این دوره «نشان‌ها»  
رایج‌ترین نوع مکاتبات دیوانی بودند اما به تدریج بعد از  
۹۳۰هـ / ۱۵۲۳ م. تا اندازه‌ای «پروانچه‌ها» غلبه یافتند. اما از  
۱۰۱۲هـ / ۱۶۰۳ م. «رقم» که نوعی سند خاصه (مربوط به

ویلم فلور  
طی یک تقسیم بندی،  
نظام دیوانسالاری  
صفوی را به سه دوره  
تقسیم نموده است.  
او این تقسیم بندی  
و تغییر روش  
در دیوانسالاری  
صفوی را  
بر نوسانات قدرت  
و سیاست،  
به ویژه سیاست  
تبدیل املاک ممالک  
به خاصه  
قرار داده است

## مؤلف در نتیجه گیری کتاب خود اصلاحات شاه عباس را موجب کاهش قدرت سران قبایل، به دلیل کاستن ارتباط آنان با قزلباش ها و نیز وارد نمودن نیروی مستقل غلامان (قوللرها) در ساختار نظامی حکومت می داند

خاندان سلطنتی) بود، جای این دو نوع سند را گرفت. دوره دوم دربرگیرنده عصر شاه طهماسب بوده و با اعمال نظارت بیشتر توسط حکومت صفوی بر امور کشور مشخص می‌گردد. اصلاحات اداری شاه طهماسب از جمادی الثانی ۹۴۰ / نوامبر ۱۵۳۳ م. به اجرا گذاشته شد و کمابیش تا پایان دوره صفوی تداوم یافت. این اصلاحات براساس فرمان‌هایی بود که با عنوان «دستورالعمل» به دستگاه دیوانسالاری ابلاغ گردیده بود. اسناد فارسی مربوط به این عهد تغییری اساسی را در شیوه نامه‌نگاری و در شکل مهرها نشان می‌دهد. چنانکه در این دوره است که برای اولین بار عباراتی چون «فرمان همایون شد» و نیز «فرمان همایون شرف نفاذ یافت» در مهرها بکار رفت. (صص ۶۰-۶۱)

سومین دوره تغییر در دیوانسالاری عصر صفوی مربوط به زمان شاه عباس اول است که با ایجاد تعدیل در شیوه‌های دیوانسالارانه عصر طهماسب آغاز گردید. در این زمان املاک خاصه (سلطنتی) نسبت به املاک ممالک (دولتی) گسترش چشمگیری یافت، از این رو منصب مجلس نویسی خاصه که تا پیش از این فقط مسئول املاک خاصه بود، اکنون نفوذ خود را حتی در املاک ممالک اعمال می‌نمود. اسناد این دوره به طور عمده شامل «رقم» و تا حدی «پروانچه» می‌باشد. همچنین طغراهایی نیز با عبارت‌های جدیدی چون «حکم جهان مطاع شد» رواج یافت. (صص ۴-۶۳) چنانکه دیدیم تطبیق دادن تغییرات ساختار اداری کشور با شکل ظاهری و انواع اسناد از کارهای جالب ویلم‌فلور در این کتاب است. مؤلف در ادامه فصل نخست به بررسی مهرها و مناصب مختلف مهرداران، چگونگی نگهداری مهرها و ... می‌پردازد (صص ۴-۷۲). در کل باید گفت که این فصل بررسی سیری در احوال و تغییرات مناصب و اسناد مختلف در دستگاه مرکزی حکومت صفوی را پی می‌گیرد. بیشتر مطالب این مبحث تحت تأثیر آثار روهر برن، ژان اوپن و سیوری است هرچند که اطلاعات جدید بسیاری را، به ویژه در بخش مربوط به مناصب عالی دولتی و روش‌های دیوانی نیز ارائه می‌نماید.

عنوان فصل دوم «تشکیلات حکومت ایالات» می‌باشد (صص ۱۲۳-۸۰) و درباره مناصبی چون والی، امیر، آغا (Aqa)، وزیران نواحی، داروغه (حاکم نظامی) توضیحاتی داده شده است. مؤلف درباره آغا می‌نویسد «غیر از تیول‌های بزرگی که به امرا تعلق می‌گرفت، زمین‌های کوچکتری به سربازان لایق واگذار می‌شد. این قشر از سربازان به عنوان آغا مشهور بودند و همیشه آغا به معنای خواجه (اخته) نبود، بلکه یک طبقه اصیل از فرماندهان نیز به این نام نامیده می‌شدند.» (ص ۱۰۶). در این فصل گرچه مؤلف به طور آشکار از تحلیل‌های روهر برن پیروی می‌کند، اما اطلاعات جدیدی از جمله درباره وظایف داروغه و وزیر عرضه می‌کند. اما نه در این فصل و نه در فصل گذشته به مناصب مالی اشاره نشده است زیرا که مؤلف این بحث‌ها را به کتاب جداگانه‌ای موقوف نموده است و به نظر نگارنده، از این رو در کتاب حاضر خلأیی پدید آمده است که بدون مطالعه جلد دیگر کتاب جبران‌ناپذیر است.

فصل سوم تحت عنوان «تشکیلات ارتش» مطرح

شده است (صص ۲۸۰-۱۲۴) که طولانی‌ترین فصل کتاب را تشکیل می‌دهد و جزئیات آن، کتاب حاضر را از لحاظ شناخت مناصب نظامی و سیر تغییرات مناصب نظامی عصر صفوی، ارزشمند نموده است. سیر تغییرات و اصلاحات در ارتش صفوی، اوضاع نظامیان از دوره شاه اسماعیل اول، اصلاحات شاه طهماسب و شاه عباس کبیر، رده‌های گوناگون قورچیان (قورچیان ملازم و...)، منصب قورچی باشی، ترکیب نیروهای قورچی، قورچیان یراق، قورچیان عظام، روابط قورچیان و شاهزادگان، لباس قورچیان، و تفاوت آنان با قزلباش‌ها (که تا حدود زیادی تحت تأثیر مقالات ماساشی‌هانه‌دا محقق ژاپنی است)، دستمزد قورچیان، وظایف آنان، درجه وفاداری آنان به شاه و خودکفایی و استقلال آنان از قبایل و برآمدن و افول منصب قورچی باشی طولانی‌ترین مطالب کتاب را تشکیل می‌دهد» (صص ۱۶۵-۱۳۷). فلور سپس مطالب را با اشاره به «قوللرها» (غلامان)، تشکیلات مربوط به آنان، تفنگچیان، توپچیان و نیروی دریایی پی می‌گیرد. (صص ۲۰۰-۱۶۶) وی براساس سفرنامه کمپفر می‌نویسد که توپچی باشی فرماندهی نیروی دریایی را نیز به عهده داشت. گرچه شاه ایران نیروی دریایی نداشت، اما تعدادی تاجر مسلح در خلیج فارس و دریای خزر وجود داشت. وی براساس کتاب «دون ژوان ایرانی» تصریح می‌کند که کشتی‌های مورد استفاده برای این نیروهای پراکنده و ناکارآمد، نوعی قایق سبک بود که مردان مسلح با آن به نبرد می‌رفتند. از این رو بود که شهر رشت بارها توسط قزاق‌ها غارت گردید، (۱۰۷۲ ه.ق.) زیرا نیروی دریایی ایران در برابر آنان رقیب چندانی بشمار نمی‌رفت. اما براساس سفرنامه شاردن به وجود کشتی‌هایی از نوعی چوب سنگین وزن اشاره می‌نماید که چندان قابل استفاده نبود. در سال ۱۰۳۲ ه. ۱۶۲۲ م. انگلیسی‌ها و در ۱۱۰۹ ه. ۱۶۹۷ م. هلندی‌ها نیروی دریایی مورد نیاز ایران را تهیه نمودند، اما تلاش‌های سوئدی‌ها برای تأسیس نیروی دریایی ایران بی نتیجه ماند (ص ۲۰۰).

ویلم فلور در ادامه این فصل سیر رشد ارتش صفوی (۱۱۳۵-۹۹۹ ه. ۱۷۲۲-۱۵۹۰ م.)، لباس و تجهیزات، شیوه‌های جنگی و تاکتیک‌ها، (صص ۲۱۶-۲۰۰)، وظایف منصب قورچی باشی، تغذیه و آذوقه ارتش (صص ۲۹۴-۲۱۶)، نیروهای مهمی چون چریک‌ها و چریک باشی، دستگاه موسیقی نظامی، شیوه محاصره‌ها و حتی روش بازگشت از جنگ به اردوگاه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مؤلف در نتیجه‌گیری کتاب خود (صص ۸۲-۲۸۰) اصلاحات شاه عباس را موجب کاهش قدرت سران قبایل به دلیل کاستن ارتباط آنان با قزلباش‌ها و نیز وارد نمودن نیروی مستقل غلامان (قوللرها) در ساختار نظامی حکومت می‌داند. گرچه وی اعتقاد دارد که این جایجایی به معنای کنار گذاشتن سران قزلباش نبود بلکه به مفهوم تقسیم قدرت بوده است. فلور درباره قورچی‌باشی می‌نویسد: گرچه فرمانده گارد محافظ شاه و از عصر شاه عباس فرمانده کل نیروهای قزلباش بود، اما قدرت وی تحت نظارت قوللر آقاسی قرار داشت.

قولر آقاسی در این ایام چنان نفوذی یافته بود که مناصبی چون تفنگچی باشی و دیوان بیگی را نیز به خود اختصاص می‌داد و جالب است که تفنگچی باشی از قدیم از میان تاجیکان و دیوان بیگی از میان ترکان انتخاب می‌شد. اما در طول قرن ۱۷م. این مناصب در دست امرای قزلباش بود. تاجیکان که به طور سنتی بالاترین مناصب دیوانی (وزیر) را بر عهده داشتند، نیز به تدریج انحصار خود را بر این منصب از دست دادند تا آنجا که از ۱۰۸۰هـ/ ۱۶۶۹م. تا پایان حکومت صفوی وزارت در دست امرای قزلباش افتاده بود.<sup>۳۰</sup>

ویلم فلور خواجگان حرم را در کنار غلامان، تاجیکان و ترکان از بازیگران اصلی صحنه سیاست عصر صفوی می‌داند. و گرچه زنان حرمسرا، به ویژه خواهر طهماسب و همسر خداپنده، در پی کسب قدرت بودند، آنان را چندان موفق نمی‌یابد. در عوض خواجگان شرایط مهیانی را برای قدرتیابی داشتند زیرا تنها کسانی بودند که رابطه مستقیم با حرم و شاه داشته و بر آن اعمال نفوذ می‌نمودند. چنانکه در دهه ۱۰۹۱هـ.ق/ ۱۶۸۰م. خواجگان مناصبی چون «ناظر بیوتات» را که متعلق به تاجیکان بود و نیز منصب «جبه دار باشی» که متعلق به ترکان بود را بدست آوردند. مولف گرچه این تقسیم قدرت را به نفع قدرت شاه می‌داند اما همین عامل را موجب سستی کلی در ارکان حکومت شاه سلطان حسین قلمداد می‌نماید. وی یکی دیگر از عوامل سقوط را افراط در سیاست، خاصه کردن املاک ممالک، در نتیجه کاهش قدرت قبایل قزلباش که در نهایت ضعف نیروهای نظامی کشور و تکیه گاه‌های دولت صفوی را موجب شد، می‌داند زیرا اموال و مالیات‌های زمین‌های مورد بحث در دربار انباشته می‌شد و قدرت اقتصادی و نظامی اداره کنندگان زمین‌های خاصه ممالک رو به کاهش می‌نهاد.

ویلم فلور کتاب خود را با فهرست جدول‌های نام‌های صاحب منصبان که در سراسر متن کتاب پراکنده‌اند ادامه داده. او از این لحاظ کاری مفید و اساسی در شناخت رجال دیوانی عهد صفوی ایران انجام داده است. پایان کتاب نیز با فهرست تفصیلی اعلام و کتابشناسی حجیمی مشخص می‌گردد.

## نتیجه

از مقایسه دستورالملوک میرزا رفیعا و کتاب ویلم فلور آشکار می‌گردد که تقسیم بندی‌های مناصب در دستور الملوک بر اساس تفکر شاه محور است و جایگاه هر منصب بر مبنای دوری و نزدیکی و میزان ارتباط آن با شخص شاه می‌باشد. در حالی که فلور بر طبق یک دیدگاه جدید علمی و امروزی نگاهی اداری، کشوری و حتی فدرالی به تقسیمات اداری در ایران عصر صفوی دارد. چنانکه مناصب را در کتاب حاضر به دو دسته ایالتی و دولتی تقسیم نموده و ارتش را به طور جداگانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. این دیدگاه مبتنی است بر شیوه تقسیم کار و وظایف میان مناصب در عصر صفوی در حالی که دستور الملوک نوعی رابطه سالاری یا حداقل رابطه محوری را نشان می‌دهد.

## پی نوشت‌ها:

\* پیش از این در شماره ۱۸ مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا آثار ویلم فلور توسط خانم ناهید بهزادی مورد بررسی قرار گرفته بود همچنین در شماره ۲۴ کتاب ماه گفتگویی با دکتر ویلم فلور درباره احوال و آثار او توسط قاسم یاحسینی صورت گرفته است.

۱. Berkelbach, V.D. Sprenkel "High Officials of the Ming" Bulletin of the school of Oriental and African Studies, (University of London), Vol. XIV, ۱۹۵۲, P. ۸۷.

۲- ولادیمیر مینورسکی، «سازمان اداری حکومت صفوی» تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸، صص ۳-۲.

۳- محمد تقی دانش پژوه «دستور الملوک میرزا رفیعا و تذکره الملوک میرزا سمیعا» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال پانزدهم، شماره ۶-۵، صص ۴۷۵-۵۰۴.

۴- اف. برادول از اعضای مکتب انال و نویسنده کتابی تحت عنوان «مدیرانه در عصر فیلیپ دوم» (تذکره در دانشگاه سوربن ۱۹۲۹ م.) است. وی در پاسخ به این مسئله که در برخورد با پدیده‌های دیرپای تاریخ و نیز آن دسته از پدیده‌هایی که با سرعت زیاد بوجود آمده و تغییر می‌یابند چه باید کرد؟ این راه حل را عرضه می‌دارد که سه نوع زمان در تاریخ قابل تصور است که هر یک با مسائل خاصی در تاریخ مربوط می‌باشند: «زمان میان مدت» در مسائل جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی، «زمان میان مدت» در مسائل اقتصادی و بعضی وقت‌ها در مسائل اجتماعی و «زمان کوتاه مدت» گرچه در تئوری وجود ندارد ولی در مسائل سیاسی مطرح است. [سربین جهانگرد، مکتب انال (روش تحقیق در تاریخ و تاریخنگاری) تهران: جامی ۱۳۷۸ صص ۲۷].

۵. Willem floor, Safavid Government Institutions, First Edition, California: MAZDA PUBLISHERS, ۲۰۰۱, P. IX.

۶. IBID, PP. IX, X.

۷- ویلم فلور از آثار نویسندگانی چون: Mulminova (تاجیک)، Neves Aguos (پرتغالی)، فاروق سومر (ترک)، ای. دی. پاپازیان (ارمنی)، V.S. Puturidze (گرجی)، جان وودز (امریکایی) و نویسندگان روس، ایتالیایی، مجار، آلمانی و ژاپنی و... در کتاب خود بهره برده است.

۸- محمدتقی دانش پژوه «دستور الملوک میرزا رفیعا و تذکره الملوک میرزا سمیعا» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال پانزدهم، شماره ۶-۵، صص ۴۷۵-۵۰۴، و سال شانزدهم، شماره ۳.

۹- دانش پژوه «دستور الملوک میرزا رفیعا» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال پانزدهم، صص ۴۷۵-۵۰۴.

۱۰- در متن کتاب فلور عبارت انگلیسی Jomada II آمده است که تلفظ صحیح آن چنین است Jamadi II.

۱۱- برای اطلاعات بیشتر ر. ک به - ماساشی هاندا «قراولان سلطنتی و تحول پایگاه آنها» ترجمه محمد نظری هاشمی فصلنامه پژوهش‌های تاریخی (دانشگاه فردوسی مشهد)، دوره جدید، سال ۲، شماره ۲-۱ (بهار و تابستان ۱۳۷۸) صص ۱۵۲-۱۲۳.

۱۲- برای اطلاعات بیشتر ر. ک - رودی ماته «ثبات و بی ثباتی دستگاه دیوانی ایران در اواخر قرن هفدهم (بازدهم هجری) مورد: شیخ علی خان زنگنه» ترجمه محمد نظری هاشمی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی (دانشگاه فردوسی مشهد)، دوره جدید، شماره ۲-۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷)، صص ۹۴-۵۲.

## فلور

## برخلاف روش

## میرزا رفیعا،

## بر طبق یک دیدگاه

## جدید علمی

## و امروزی

## نگاهی اداری،

## کشوری و حتی

## فدرالی به

## تقسیمات اداری

## ایران عصر صفوی

## دارد